

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیسیت: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.

فهرست مطالب

۷	واکاوی مفهوم واژه «قرآن» با دو رویکرد بیرون متنی و درون متنی
۲۳	ازدواج و تشکیل خانواده در ادیان اسلام و یهودیت
۴۳	بررسی شرایط و مبانی فقهی مسئولیت کیفری ومدنی طیب، در حقوق ایران وافغانستان.
۷۹	نقش مدیریت مشارکتی منابع آبی در توسعه پایدار دهات افغانستان
۱۰۵	کیفیت معاد و بقای نفس انسانی در فلسفه اسلامی با تاکید بر دیدگاه ملا صدرا
۱۳۷	عوامل جرایم مالی اطفال و راهکارهای مقابله با آن
۱۷۳	نقدی بر نظریه وحی نفسی از منظر عقل، قرآن و روانشناسی
۱۹۵	اندیشه ضد اسلامی برنارد لوئیس به عنوان نماینده شرق شناسان غربی
۲۱۷	مبارزه با استکبار و استقامت در مقابل ظلم با تاسی از مکتب عاشورا
۲۳۵	عوامل شناختی پرورش محبت الهی از منظر قرآن، با تأکید بر نظرات آیت الله مجتبی تهرانی
۲۵۷	معیار تعذر در خیار تعذر تسلیم: تحلیل فقهی و کاربردی



سال چهارم، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۱۶

عوامل شناختی پرورش محبت الهی از منظر قرآن، با تأکید بر نظرات آیت الله مجتبی تهرانى

سید محمد نسیم بهشتی^۱

چکیده:

عوامل پرورش محبت الهی انسان، شامل سه ساحت، شناختی، عاطفی و رفتاری می شود. در این نوشتار، عوامل شناختی پرورش «محبت الهی» در قرآن با تأکید بر نظرات مجتبی تهرانى است که به روش توصیفی تحلیلی مطرح شده است. «محبت» انسان به خداوند، نقش محوری دارد نسبت به دیگر صفات عاطفی مانند «رضایت»، «خوف» و «امید» الهی. نگارنده به دنبال پاسخ این سؤال است که عوامل پرورش محبت الهی از منظر قرآن با تأکید بر نظرات مجتبی تهرانى چگونه بیان شده است. «ایمان»، «لطف الهی» و «شناخت نعمت های الهی» از جمله عوامل شناختی پرورش محبت الهی از منظر قرآن است. از نظر مجتبی تهرانى، شناخت اسباب محبت الهی از عوامل شناختی پرورش محبت الهی است. مرحوم مجتبی تهرانى هشت مورد از اسباب محبت انسان نسبت به حق تعالی را با استفاده از آیات و روایات بیان شده است. «خویشتنند وستی، لذت، احسان، اشتراک، رابطه علیت، همراهی، مناسبتی پنهانی و جمال دوستی»، از اسباب محبت الهی است.

کلید واژه ها: قرآن، عوامل شناختی، پرورش محبت الهی، مجتبی تهرانى

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش روان شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۱. مقدمه

پرورش محبت الهی که یکی از مصادیق ساحت عاطفی انسان نسبت به خدای متعال است که از اهمیت ویژه برخوردار است. اگر انسان موفق شود در این زمینه محبت الهی را در وجودش پرورش دهد، خیلی از صفات عاطفی دیگر مانند، رضایت، خوف و امید الهی، نیز پرورش پیدا خواهد کرد. از طرف دیگر پرورش محبت الهی، بر دیگر ساحت های شناختی و رفتاری (تقوای الهی، اطاعت الهی و عبادت الهی) انسان نسبت به خداوند هم مؤثر است. حدود ۵۶ آیه «ماده» محبت در قرآن بیان شده است. که این اهمیت پژوهش در این زمینه را می رساند. از میان مباحث در این زمینه بحث «عوامل شناختی» پرورش محبت الهی از اهمیتی بیشتری برخوردار است؛ چون گرایش و رفتار انسان از شناخت آن سر منشأ می گیرد، اگرچه محبت هم باعث افزایش شناخت می شود. نگارنده به دنبال پاسخ این مسأله است که عوامل شناختی پرورش محبت الهی در وجود انسان از منظر قرآن با تأکید بر نظرات آیت الله مجتبی تهرانی چگونه بیان شده است؟ محبت الهی از مباحثی است که در گذشته در مباحث اخلاقی و تفسیری تربیتی مطرح شده است. نمونه از آثار به عنوان های «راهنمای محبت» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۲). «رابطه محبت خدا با شادابی انسان»، (داوودی، ۱۳۸۲/۲۶۶)، «نگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی به مراتب محبت الهی در عالم هستی» (موفق وهاشمی، ۱۳۹۶/۵/۳۵-۵۷) آثار مذکور از جهتی مربوط به نوشتار نگارنده است ولی موضوع و قلمروی آن گسترده تر از تحقیق مورد نظر نگارنده است. نگارنده موضوع خاصی از این بحث را که «عوامل شناختی» پرورش محبت الهی از منظر قرآن با تأکید بر نظرات مجتبی تهرانی، بررسی می کند. این تحقیق با رویکرد میان رشته قرآن و علوم با گرایش روان شناسی مطرح می شود.

از نظر روان شناختی رضایت خوف و امید، از هیجاناتی است، وابستگی به محبت و علاقه دارد. محبت و علاقه هم یکی از هیجاناتی است که در روان شناسی اسلامی مطرح است. (شجاعی، ۱۳۹۵/۷)

۲. مبانی نظری

۲-۴. مفهوم پرورش

ریشه پرورش که مرادف تربیت است، «رَبَّ» است در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر، در چیزی تا به حدّ نهائی و تمام و کمال آن برسد. «الرَّبَّ» مصدر است به طوره استعاره به جای اسم فاعل به کار می رود. (اصفهان، ۱۴۱۲/۲/۲۹)

پرورش در اصطلاح روان شناسی: «به جریان و فریاند منظم و مستمر گفته می شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طوری کلی رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان، در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجار های مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد های آن است.» (سیف، ۱۳۹۴/۳۷)

تربیت در منابع اسلامی: «می توان تعلیم و تربیت اسلامی را به معنای تعلیم و تربیتی دانست که برمبانی معرفت شناختی، هستی شناختی، الهیاتی انسان شناختی و ارزش شناختی اسلامی مبتنی است.» (یزدی، ۱۳۹۵/۳۵) مرحوم مجتبی تهرانی نسبت به تربیت تعریف خاصی دارد و این گونه تعریف می کند «روش های رفتاری و گفتاری دادن به دیگران، به طوری که این روش به صورت ملکه در آن ها درآید» او اضافه می کند: «بر اساس این تعریف تربیت دو قسم می شود که اگر رفتار و گفتار قبیح بود این رفتار و گفتار به صورت ملکه در می آید پس تربیت قبیح می شود اگر رفتار گفتار عقلی و دینی بود تربیت حسن تحقق می یابد.» (تهرانی، ۱۳۹۱/۳/۶۶)

۲-۵. مفهوم محبت

الف) اصل و ریشه مُحَبَّت یا از ماده «حَبَّ» و «حَبَّه» گرفته شده که به معنای دانه کندم و جو و امثال آن ها است. یا از ماده «حِبَّ» و «حِبَّه» گرفته شده که به معنای شکوفه گل است. (فیومی، ۱۳۹۷/ق/۱۱۷)

محبت به معنای خواستن و تمایل به چیزی که می بینی و آن را خیر می پنداری و مطلوب است. «لذت غریزی»، «منفعت» و «فضل و کمال»، از ریشه ها و ملاک

های محبت بیان شده است. (راغب اصفهانی، ۲۱۶/۱۴۱۲) در قرآن ماده محبت افعال آن از باب افعال، استفعال و تفعیل آمده است، بعضی نقل کرده است، چون غالب استعمال محبت از باب افعال است، در قرآن هم استعمال شایع دنبال شده است. راغب اصفهانی در معنای محبت، خواست و طلب و اراده را لحاظ کرده است. («استحبّ الشیء») یعنی خواست او را دوست بدارد. (قرشی، ۹۳/۲/۱۳۸۱)

ب) معنای محبت در روان شناسی:

در روان شناسی، علاقه که مرادف محبت است، از هیجانان اصلی است. علاقه میل و کشش عاطفی است نسبت به چیزی یا کسی که برای انسان مطلوبیت دارد. (شجاعی، ۱۷/۱۳۹۵)

ج) فرق محبت با اراده:

در بیان معنای محبت، اراده و خواست و میل ذکر شده است؛ پس باید فرق اراده و محبت بیان شود که آیا اراده همان محبت است یا نه چه نسبتی بین این دو واژه وجود دارد اگر محبت، اراده باشد چرا به عنوان اراده مطرح نشود فرقی چیست؟ جواب این است که محبت رسا تر است از اراده یعنی در هر محبتی اراده هست، اما هر اراده، محبت نیست. پس نسبت عام خاص است اراده معنای عامی دارد که شامل مطلق خواست می شود؛ اما محبت خواست و میل خاصی است. (راغب اصفهانی، ۲۱۶/۱۴۱۲)

د) معنای محبت حق تعالی به انسان و بالعکس:

محبت خداوند نسبت به انسان این است که بنده گانش را مورد نعمت و رحمت قرار بدهد. محبت انسان نسبت به خداوند این است که به بخواهد به خداوند نزدیک شود (و رفتار الهی پیدا کند). (راغب اصفهانی، ۲۱۶/۱۴۱۲)

ه) امکان محبت انسان به حق تعالی:

مرحوم مجیبی تهرانی محبت انسان نسبت به حق تعالی را ممکن می داند، شبهاتی را در این زمینه مطرح می کند که خلاصه آن شبهات، این است که بعضی ها محبت انسا را نسبت به خداوند، ممکن نمی دانند و معتقد هستند که محبت اراده است که در پدیده های حادث صدق می کند، بنا بر این نسبت به خداوند انسان، گرفتار تشبیه

می شود. (تهرانی، ۴۳/۱۳۹۱)

خلاصه جواب مرحوم مجتبی تهرانی به این مضمون است، که اراده غیر از محبت است یعنی اراده و محبت سنخیت ندارد؛ به این بیان که اگر اراده مرادف محبت می بود، باید به جای محبت اطلاق می شد مثلاً وقت گفته می شود من امام حسین (ع) را دوست دارم، باید به جای آن گفته می شد که من امام حسین (ع) را اراده کردم، در حال که چنین نیست. پس کاربرد محبت وسیع تر از اراده است بنابراین اراده از سنخ محبت نیست. دلیل دوم این است که این ادعا بر اساس هم جنس بودن مُحِب و مُحَبوب است که این مبنا باطل است؛ چون بدیهی است که انسان علم و قدرت را دوست دارد. (در حال که انسان جوهر و علم عرض است) (تهرانی، ۴۴/۱۳۹۱) مرحوم مجتبی تهرانی برای اثبات امکان محبت الهی در انسان، مطالبی را بیان می کند که خلاصه آن این است: منشأ محبت یا کمال است یا لذت، در هر دو صورت بالا ترین کمال را حق تعالی دارد که قابل قیاس با غیر او نیست. اما لذت هم بالا ترین لذت، لذت معنوی است که از طریق بصیرت باطنی برای انسان حاصل می شود (تهرانی، ۴۶/۱۳۹۱) در ادامه اضافه می کند که شواهدی در بعضی آیات وجود دارد، از سیاق آن استفاده می شود که محبت انسان به خداوند و غیر آن به یک معنا است؛ اگر بگویم محبت انسان نسبت به خداوند به معنی اطاعت است، برخلاف سیاق آیه است. (تهرانی، ۴۶/۱۳۹۱)

(و) محبت طولی و عرضی:

محبت طولی محبتی است که اگرچه محبت غیر خداوند است ولی در راستای محبت الهی است و از فروع محبت الهی و با محبت الهی در تضاد نیست. محبت عرضی، محبتی است که در عرض محبت الهی است و مانع شکل گیری محبت الهی می شود با محبت خداوند در تضاد است. محبتی تهرانی مصادیق محبت عرضی و طولی را این گونه بیان می کند که «هنگام که مفاهیم مثل محبت، اطاعت، ملکیت و اراده به وسیله طول و عرض باهم سنجیده شوند، عرض به معنای مقابل و طول به معنای تابع است. دو محبت در عرض هم یعنی دو محبت مستقل و دو محبت در طول هم یعنی دو محبت که یکی تابع و در امتداد دیگری است؛ بنا براین،

هر موضوع عرضی مستقل است و هر موضوع طولی از فروع و شاخه های موضوع دیگر؛ برای نمونه، هر انسانی موظف است از خدا اطاعت کند و در همان حال وظیفه دارد از پیامبر نیز اطاعت کند؛ ولی حق ندارد از طاغوت فرمانبرد (تهرانی، ۹۶/۱۳/۱۳۹۵) مرحوم مجتبی تهرانی با استفاده از آیات و روایات،^۱ محبت رسول الله و اهل بیت علیهم السلام را از نمونه های محبت طولی می داند^۲ و حُب دنیا و آثار آن که کبر، حرص، آرزوی طولانی، طمع، قساوت قلب، مانع کمال انسان و رفتار ناپسند، از مانع درجات معنوی و قرب الهی است، از نمونه هایی محبت عرضی می داند که بامحبت الهی در تضاد است. (تهرانی، ۱۰۳/۱۳/۱۳۹۶)

۳. عوامل شناختی پرورش محبت الهی از منظر قرآن

منظور از عوامل پرورش محبت الهی آموزه های قرآنی که باعث رشد محبت الهی در وجود انسان می شود در قرآن بیان شده است. محبت الهی، یکی از زیر مجموعه از صفات عاطفی انسان نسبت به حق تعالی است، که نقش اساسی دارد نسبت به دیگر صفات عاطفی مانند خوف و امید الهی رضایت الهی توکل الهی. نگارنده به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که چه آیاتی مربوط به عوامل شناختی پرورش محبت الهی در قرآن بیان شده است. اگرچه عوامل شناختی پرورش محبت الهی در قرآن زیاد است، در این تحقیق فقط به چند مورد مطرح می شود.

۱-۳. نقش ایمان به خداوند در پرورش محبت الهی

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ. (بقره/۱۶۵) و برخی از مردم به جای خدا معبودهایی انتخاب می کنند که آنها را آن گونه که سزاوار است خدا را دوست داشت، دوست می دارند؛ ولی آنان که ایمان آورده اند، محبت و عشقشان به خدا بیشتر و قوی تر است. و اگر کسانی که ابا

۱. توبه، ۲۴، بقره، ۱۶۵، شورا، ۲۳، فرقان، ۵۷، روایات: صدیق، علل الشرایع، ج ۱ ص ۱۴۰، امالی، ص ۴۱۴، ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابیطالب، ج ۲، ص ۲۷۱،
۲. مجتبی تهرانی، اخلاق الهی، ج ۱۳، ص ۹۶.

انتخاب معبودهای باطل] ستم روا داشتند، هنگامی که عذاب را ببینند، بی تردید بفهمند که همه قدرت ویژه خداست [و معبودهای باطل، هیچ و پوچ‌اند] و خدا سخت کیفر است. (انصاریان، ۲۵/۱۳۸۳) فیض کاشانی باورش این است که علت شدت دوستی مؤمنین به خداوند نسبت به دوستی و اطاعت کفار نسبت به بت‌ها و سران ظلم، به خاطر اخلاص آن‌ها است، بر خلاف کافران که به خاطر اهداف مادی به سران ظلم محبت دارند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵/ق/۲۰۹/۱)

ایمان به خداوند، یک عامل شناختی است که سرمنشأ محبت الهی می‌شود» ایمان» انسان که شناخت و باور خاصی به خداوند است، باعث پرورش محبت الهی می‌شود؛ یعنی همان طوری که بین ساحت رفتاری و شناختی تأثیر متقابل وجود دارد، بین شناخت و گرایش انسان هم ارتباط متقابل وجود دارد و شناخت تأثیر بر پرورش محبت الهی دارد. انسان‌های که ایمان دارند، بالا ترین مرتبه محبت رانسبت به خداوند متعال دارند. (وَ الَّذِیْنَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ، بقره/۱۶۵) در این آیه خداوند متعال، مردم را دوگروه بیان کرده است که گروهی از مردم عاشق مادیات و چیزهایی غیر الهی است و گروهی دوم کسانی هستند که خدایا بسیار دوست دارند، این افراد عاشق خداوند هستند محبت آن‌ها به خداوند شدید تر از محبت کسان که مادیات را دوست دارند، است. علت این محبت بی نظیر به خداوند متعال، ایمان آن‌ها است (وَ الَّذِیْنَ آمَنُوا) منظور از کسان که در مقابل خداوند انداد قرار داده و آن‌ها را مانند حق تعالی دوست دارند، بت‌ها و سران ظلم هستند، یعنی همان طوری که که مؤمنین از خداوند اطاعت می‌کنند، آن‌ها از سران ظلم پیروی می‌کنند. منظور از کسان که حُب شدید نسبت به حق تعالی دارند اهل بیت (ع) و کسان که از اهل بیت (ع)، پیروی می‌کنند، هستند. (فیض کاشانی، ۲۰۹/۱/۱۴۱۵) علامه طباطبایی، منظور از قرار دادن غیر خدا که مانند محبت الهی قرار می‌دهند، همه چیزهای که غیر از خدا باشد؛ به عبارت دیگر، محبتی است که در عرض محبت الهی دارد. (طباطبایی، ۳۹۳/۱/۱۳۷۳) بنا بر این کسان که پیروی از اهل بیت (ع) می‌کنند نه تنها حق تعالی را دوست دارند، بلکه عاشق خدای متعال است که بالا تر از محبت غیر الهی است؛ چون اهل بیت (ع) و پیروان آن‌ها بالا ترین و بهترین معرفت و شناخت الهی را دارند،

محبت الهی در وجود شان شدید تر است؛ به عبارت دیگر عاشق حق تعالی هستند. خلاصه از ظاهر این پایه استفاده می شود که یکی از اسباب رشد و پرورش محبت الهی در قلب انسان ایمان الهی است. (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ).

۲-۳. نقش لطف الهی در پرورش محبت الهی

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ. (حجرات/۷) و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست [و بر شما واجب است در همه امور از او پیروی کنید]، اگر او در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، قطعاً دچار گرفتاری و زحمت می شوید، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل هایتان بیاراست، و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت، اینان [که دارای این ویژگی ها هستند] هدایت یافته اند. (انصاریان، ۱۳۸۳/۵۱۶)

در این آیه به لطف الهی اشاره دارد، توجه به لطف حق تعالی به این معنا است که یکی از عوامل بسیار مهم برای ایجاد و پرورش محبت الهی، حق تعالی است که با لطف و عنایتی که دارد، با توجه به اطاعت و ضریفیت بنده گانش که زمینه هدایت و محبت دارد، لطف کرده و محبت دین و اطاعت از خدا و رسول را در دل مومنین قرار داده و از کفر و عصیان به دور نگهداشته و کفر و عصیان را در قلوب مومنین ناپسند و مذموم قرار می دهد. البته این عنایت الهی با توجه به اطاعت مومنین از رسول الله (ص) و فراهم کردن زمینه هدایت و محبت بنده گان است، نه اینکه جبرا چنین محبت را در دل مومنین قرار دهد. بنا براین باور به اراده و لطف الهی، یکی از عوامل شناختی مهم در پرورش محبت الهی است.

باید انسان به لطف الهی توجه داشته باشد تا از پرورش محبت الهی بهر مند شود. در حقیقت اینکه خداوند در دل مومنین، محبت ایجاد کرده و قلوب آن ها را از گناه دورنگه میدارد؛ به این معنا است که هر انسانی را فطرتا خداوند کمال طلب و حق جو آفریده است که در این صورت مومنین به خاطر اطاعت از رسول (ص) و اعمال نیک که انجام می دهند، این کمال جوی و حق طلبی آن ها پرورش پیدا کرده و روز به

روز رشد می کند، اما کفار که قدر و منزلت فطرت خود را نمی دانند، به خاطر گناه و رفتار ناپسند که انجام می دهند از لطف الهی، محروم می شوند. بنابراین لطف الهی برای کفار، یک بار تحقق پیدا کرده است که آن ها را فطرتا کمال طلب و حق جو آفریده است، اما نسبت به مؤمنین دوبار لطف کرده است که اضافه از فطری قرار دادن کمال جوی آن ها برای استمرار و پرورش و رشد آن هم لطف عنایت کرده است که حقیقت و محبت الهی را در قلوب آن ها نیکو و گناه را قبیح قرار می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۵۸/۲۲/۱۳۹۷)

۳-۳. شناخت نعمت های الهی

یکی از عوامل که موجب رشد محبت الهی در قلوب انسان می شود، شناخت نعمت های بی شماری الهی است. به فرموده صریح قرآن کریم نعمت های الهی قابل شمارش نیست. **وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ**، (نحل/۱۸) و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، هرگز نمی توانید آن ها را به شمار آورید، یقیناً خدا بسیار آمر زنده و مهربان است. (انصاریان، ۲۶۹/۱۳۹۳)

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه که نعمت های الهی قابل شمارش نیست، نظرش این است به خاطر کثرت نعمت های الهی است، که از حیطة شمارش خارج است. در حقیقت در نظام کلی همه چیز نعمت است، اگرچه بعضی موجودات نسبت به چیزی دیگری نعمت نیست. شاید منظور علامه موجوداتی که مقدمه گمراهی می شود برای انسان نعمت نیست. در ادامه علامه طباطبایی نکته بسیار دقیقی را اشاره می کند که تعلیل خداوند متعال به غفور و رحیم، بسیار دقیق است و اشاره به این مطلب دارد که نعمت فراوان الهی برای بنده گانش به خاطر رحمت و مغفرت حق تعالی است. به سبب مغفرت خود نقص ها را می پوشاند، به سبب رحمتش کمال نقص و رفع نیاز می کند. (طباطبایی، ۲۲۰/۱۲/۱۳۸۳) مجتبی تهرانی نسبت به نعمت های بی شماری الهی بحث مفصلی از اقسام نعمت های الهی را مطرح کرده است. که در اینجا مختصری از آن ذکر می شود. «نعمت عبارت از منفعتی است که از باب احسان و نیکو کاری به دیگر می رساند و منظور از منفعت،

لذت، سرور و هر چیزی موجب لذت و مسرت شود، به شرط آنکه ضرر بزرگتری در پی نداشته باشد.)) (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۲۷)

۳-۳-۱. اقسام نعمت های الهی

مرحوم مجتبی تهرانی، به شش قسم از نعمت های الهی اشاره می کند که هر کدام زیر مجموعه های بسیاری دارد. نعمت ظاهری و باطنی، نعمت اصلی و واسطه ای و نعمت های حقیقی و غیر حقیقی.

۳-۳-۱-۱. نعمت های ظاهری و باطنی:

الف) نعمت های ظاهری نعمتی است که اولاً برای انسان محسوس است، ثانیاً با مقاصد دنیوی و لذات مادی انسان، سازگار است. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۲۸)

ب) نعمت های باطنی، مرحوم مجتبی تهرانی با استفاده از آیه ۱۳ سوره جاثیه می فرماید در آسمان ها، موجوداتی در خدمت انسان هستند که انسان از آن ها غافلند، به جز وحی از آن انسان ها خبری ندارند.^۱ (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۲۹)

۳-۳-۲. نعمت اصلی و واسطه ای:

الف) در حقیقت نعمت اصلی لقاء الله است و دیگر نعمت ها حتی نعمت های بهشتی؛ واسطه ای و فرعی است. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۲۹)

ب) نعمت های واسطه ای:

۱. نعمت های مادی:

الف) نعمت های متصل (جسمانی): تمام نعمت های که مربوط اعضا و جوارح انسان است، نعمت متصل جسمانی گفته می شود. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۳۰)

ب) نعمت منفصل: تمام نعمت های که مربوط به محیط و بهره برداری انسان، در زندگی دنیا می شود. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۳۱)

۱. و سخرلک ما فی السماوات وما فی الارض جميعا منه، جاثیه، ۱۳.

۲. نعمت های غیر مادی:

الف) نعمت های معنوی نفسانی: مانند فضیلت های اخلاقی، نیرو های ادراکی و... از نعمت های نفسانی متصل نفسانی شمرده شده است. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۳۵)

ب) نعمت های معنوی منفصل: هدایت تکوینی، هدایت تشریحی، توفیق، رشد، تسدید^۱ تأیید، از جمله نعمت های معنوی منفصل است. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۳۶)

۳-۱-۳-۳. نعمت حقیقی و غیر حقیقی:

نشانه ی نعمت حقیقی این است که اولاً خلوص و جاودانه است ثانیاً حق تعالی نسبت به آن اهمیت داده و برای دادن آن ممت گزاشته است (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۳۹) مرحوم مجتبی تهرانی با استفاده از آیات و روایات «ایمان» و «ولایت» را از مصادیق نعمت حای حقیقی الهی شمرده است. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۴۲)

۳-۱-۳-۳-۱. بلای نسبی نعمت است

ممکن است انسان برای رسیدن به نعمت حقیقی گرفتار بلاهای شود که این بلا ها هم نعمت است.

مرحوم مجتبی تهرانی بلا را دو قسم بیان کرده است:

الف) بلای که هیچ شائبه ی نعمت در آن نیست مانند کفر، معصیت و گمراهی. این نوع از بلا نه تنها نعمت نیست، بلکه دفع و رفع آن واجب است.

ب) قسم دوم بلای که از جهتی نعمت است مانند فقر، برای کسی که غنا را تحمل نتواند.

اقسام بلا ها را با استفاده از آیات و روایات موارد ذیل بیان کرده است:

۱. بلا برای مجازات انسان که این نعمت نیست و جلوگیری و پیشگیری از آن واجب است. (تهرانی، ۱۳۹۵/۱۰/۲۴۴)

۲. بلا برای تکامل انسان که این نوع بلا وسختی نعمت است. (تهرانی،

۱. تسدید یک اصطلاح عرفانی است که خداوند راه صواب و درست را برای انسان ها فراهم می کند. مجتبی تهرانی، اخلاق الهی، ج ۱۰، ص: ۲۳۹.

۳. بلا برای آزمایش انسان که سبب تکامل انسان می شود، نعمت است و باید شکر کرد. (تهرانی، ۲۴۵/۱۰/۱۳۹۶)

۴. بلا برای هشدار انسان که از لطف الهی است که این هم نعمت است. (تهرانی، ۲۴۶/۱۰/۱۳۹۶)

۵. بلا برای پاک سازی و پالایش انسان که نعمت است. (تهرانی، ۲۴۷/۱۰/۱۳۹۶)

۶. بلا برای اظها محبت که این هم نعمت است. (تهرانی، ۲۴۷/۱۰/۱۳۹۶)

بدیهی است که انسان با این همه نعماتی مادی و معنوی که غالب آن ها را خداوند از لطف عنایت کرده است، انسان اگر شناخت نسبت به این نعمت ها پیدا کند، محبت الهی در وجودش پرورش پیدا می کند. البته بحث نعمت های الهی بسیار تحقیق مفصلی لازم دارد و در این نوشتار ظرفیت آن محدود است، نمی شود مطرح کرد. خلاصه بحث در این قسمت این شد که ایمان به خداوند، لطف الهی و شناخت نعمت های بی شماری الهی، از عوامل شناختی پرورش محبت الهی در قرآن بیان شده است.

۴. بیان نظرات آیت الله مجتبی تهرانی

از نظر مرحوم مجتبی تهرانی شناخت درست خداوند و شناخت اسباب محبت از عوامل پرورش محبت الهی است.

۴-۱. شناخت الهی

مرحوم مجتبی تهرانی راهایی شناخت الهی را به این مضمون بیان می کند. شناخت حق تعالی از راهی علمی را از دو برهان علیت و نظم بحث کرده اند برهان علیت این است که انسان وجود و عدمش تر جیح ندارد و هر کدام وجود و عدمش نیاز به غیر دارد یعنی باید موجودی دیگر علت تر جیح آن باشد. موجودات ممکن دیگر هم که مثل آن هستند و نمی توانند علت وجود آن باشند. بنابراین وجود تمام موجودات امکانی با همه ی کمالات شان وابسته به یک موجودی است که هم وجود و هم کمالاتش نیاز به غیر نداشته باشد. در آیات و احادیث هم به این اشاره شده

است.^۱ (تهرانی، ۷۹/۱۳/۱۳۹۵)

۴-۱-۱. برهان نظم (برهان ان)

این برهان بردو اصل استوار است اول اینکه وجود نظم در هر دستگاهی و هر چیزی از وجود سازنده و آفریننده ی دانا، حکیم و توانا خبر می دهد. این اصل بدهی است و نیاز به اثبات ندارد.

اصل دوم این است که تا آنجای که بشر در موجودات بررسی کرده است، هر موجودی از اثر و نظم خاصی بر خور دار است و این اگرچه تمام موجودات بررسی نشده و لکن همان مقدار که در علوم طبیعی بررسی شده مانند فیزیک، شمی، جانور شناسی، گیاه شناسی،... عهده دار نظم در جهان هستند؛ بنابراین به این نتیجه می رسیم که این نظم و قوانین خاص در همه موجودات؛ دال بر ناظم آن است. در قرآن نیز اشاره به این برهان دارد. (تهرانی، ۷۹/۱۳/۱۳۹۶)

۴-۱-۲. برهان لمّی:

خلاصه نظرات مرحوم مجتبی تهرانی این است که: دو برهان قبلی در اصطلاح معقول برهان این بود که از معلول پی به علت برده می شود. اما برهان لمّی که گفته شده این برهان کشف است، بر این باورند که شناخت خداوند از این راه (برهان ان) در ست نیست؛ چون هیچ علمی ظاهر تر و معروف تر از حق تعالی نیست، در حال که در تعریف معرف از معرف اجلا و روشن باشد.^۲ به کلمات از معصومین (ع) به این برهان اشاره شده است. (تهرانی، ۸۶/۱۳/۱۳۹۶)

نگارنده معتقد است، شناخت حق تعالی بنا بر این طریق و برهان، (لمّی) برای افراد خاصی ممکن میسر است، اگرچه بر اساس ادله مشکلی ندارد. به عبارت دیگر، از برهان لمّی زمان استفاده می شود که انسان نسبت به شناخت حق تعالی در مرحله بالای از معرفت قرار گرفته باشد، مانند معصومین علیهم السلام و افراد خاص چنانچه

۱. ام خلقوا من غیر شیء ام هم الخلقون، طه، ۳۵، شیخ صدوق امالی، ص ۴۳۳

۲. محمد رضا مظفر، المنطق، ج ۲، ص: ۲۴۳۶. الثانی ان یکون المعرف «بالکسر» أجلی مفهوما و اعرف عند المخاطب من المعرف «بالتفتح»

در کلمات امام سجاد علیهم السلام استفاده شده است. مانند «انت دللتی علیک» («بک عرفتک») توره نمود نمودی مرا و به واسطه شما شناختمت.^۱ بنا براین می شود که بین این دونوع برهان جمع کرد که برای پرورش شناخت الهی عامه از مردم، از دو برهان اول استفاده شود و برای افراد خاص از برهان لمّی که در این صورت منافاتی ندارد. در این تحقیق ممکن است آیات اشاره به هردو برهان داشته باشد اما بیشتر توجه به آثار حق تعالی که در قرآن ذکر شده پرداخته می شود، همان طوری که در آیات قرآن هم پیشتر تأکید به آثار و خلقت الهی شده است. یعنی پرورش شناخت الهی با توجه به آثار و نعمت های الهی بررسی می شود. از بیانات مجتبی تهرانی استفاده می شود که برای پرورش شناخت الهی، انسان می تواند از این دو راه استفاده کرد، راهی اول مناسب برای عامه انسان ها است که با استفاده از آثار فراوان الهی شناخت خود را پرورش دهد.

۲-۴. شناخت اسباب پرورش محبت الهی

مرحوم مجتبی تهرانی هشت مورد از اسباب محبت انسان نسبت به حق تعالی را با استفاده از آیات و روایات بیان می کند، که با شناخت این موارد محبت انسان پرورش پیدا می کند خلاصه ای آن این است: «خیشتنند وستی، لذت، احسان، اشتراک، رابطه علیّت، همراهی، مناسبتی پنهانی و جمال دوستی، از اسباب محبت الهی است. (تهرانی، ۱۳۹۱/۶۸)

۲-۴-۱. خویشتنندوستی

یکی از اسباب محبت خویشتنندوستی است؛ به این بیان که با استفاده از آیات و روایات که مجتبی تهرانی اشاره می کند، این است که انسان و تمام مخلوقات و حتی رفتار و آثار وجودی انسان را، حق تعالی خلق کرده و می کند، بنابراین مقتضای خویشتنندوستی این است که سرچشمه محبت، خود آفریدگار انسان است. (تهرانی، ۱۳۹۱/۶۸)

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۳۳۷. دعای ابو همزه شمالی.

۴-۲-۲. لذت

یکی از اسباب محبت انسان ها به غیر خودش، لذت است؛ فرقی ندارد که مادی باشد یا معنوی.

خداوند خالق لذت است بنا بر این تمام لذت ها مال اوست، اگرچه لذت های غیر او محسوس است ولذت ذات اقدس الهی در پشت لذت های مجازی پنهان است. (تهرانی، ۶۸/۱۳۹۱) مثلا اگر کسی چیزی ارزشمندی را به واسطه کسی دیگر به انسان بدهد، انسان نسبت آن واسطه که به انسان آن چیز را می دهد محبت پیدا می کند اگر انسان شناخت پیدا کند که معطی اصلی کسی دیگری است، محبت اصلی هم نسبت به معطی اصلی پدا می کند.

۴-۲-۳. احسان

ذاتا انسان از هرکه احسان و نیکی می بیند به آن محبت پیدا می کند و آن را دوست دارد؛ از جانب دیگر، تمام نیکی ها مستقیم یا غیر مستقیم، به حق تعالی بر می گردد؛ هر احسانی که سبب محبت انسان می شود، در واقع صاحب اصلی آن خدای متعال است. نعمت های که از خداوند به انسان می رسد قابل شمارش نیست. احسان انسان ها، بدون چشم داشت نیست، یا چشم داشت اُخروی ا دارد یا دنیوی، اما احسان خداوند کامل و تام است؛ چون نیازی ندارد تا چشم داشتی داشته باشد. فرق دیگر از احسان انسان با حق تعالی این است که احسان آن به اراده (تشریحی و تکوینی) خدا است و به خاطر کسب منفعت. اما احسان حق تعالی اولاً با اراده خودش هست ثانیاً بدنبال عوض و منفعتی نیست. (تهرانی، ۷۰/۱۳۹۱)

۴-۲-۴. اشتراک

یکی از اسباب محبت انسان به غیر، اشتراک او نسبت به محبوب آن است؛ به این بیان که انسان از نظر روحی و فکری اگر به دیگری اشتراک داشته باشد، سبب محبت او می شود؛ از جانب دیگر حق تعالی روح انسان را به خودش نسبت داده است و از نظر وجودی (مفهوما انسان به حق تعالی اشتراک دارد).

مرحوم مجیبی تهرانی با استفاده از بعضی آیات می فرماید: اصل و حقیقت انسان

روح انسان است که اصل وجود انسان از روح الهی است؛ این بالاترین سنخیت و اشتراک است، از طرفی دیگر سبب محبت انسان به غیر هم مشابهت و سنخیت آن است، بنا بر این اگر سنخیت سبب محبت باشد باید انسان بالا ترین محبت را به حق تعالی داشته باشد. (تهرانی، ۷۲/۱۳۹۱)

۴-۲-۵. رابطه علیّت

خلاصه بیانات مرحوم مجتبی تهرانی به این مضمون است که هر معلولی علت خویش را دوست دارد و علت حقیقی هم برای انسان خدای متعال است که سه تا ویژگی را دارد اول این که معلول را به وجود می آورد و ثانیاً تمام کمالات معلولش را به نحو اتم دارا است و ثالثاً وجود آن علت برای معلولش پیوسه ضرورت دارد اگر لحظه ی رابطه معلول از او بریده شود، معلول به نیستی بر می گردد. (تهرانی، ۷۲/۱۳۹۱)

۴-۲-۶. همراهی

یکی از اسباب محبت انسان به غیر این است که در همه حالات همراهی انسان باشد. مرحوم مجتبی تهرانی این بحث را به این مضمون بیان می کند که اگر همراهی موجب محبت شود، انسان باید عمیق ترین محبت خود را نثار حق تعالی کند؛ چراکه او پیوسته همراه انسان است. در ادامه به آیات زیادی اشاره می کند. (تهرانی، ۷۲/۱۳۹۱)

۴-۲-۷. مناسبت پنهانی

یکی از اسباب محبت انسان به غیر مناسبت پنهانی انسان است که اگر چه مشهود نیست اما از نظر روحی و روانی نسبت به غیر محبت پیدا می کند. انسان از نظر روحی مخلوقی است که خداوند خلقت روح آن را به خود نسبت داده است. از همین جهت است که انسان مقام خلیفه الهی پیدا کرده است. پس از جهت مناسبت پنهانی که محبت انسان به خاطر روحی است، محبت انسان نسبت به حق تعالی عمیق تر خواهد بود. (تهرانی، ۷۴/۱۳۹۱)

۴-۲-۸. جمال دوستی

خلاصه ای از بیانات مرحوم مجتبی تهرانی به این مضمون است که خدای سبحان زیبا تر از هر صاحب جمالی است؛ یعنی خالق جمال و زیبای ها است و همه ی زیبای ها به او بر می گردد. بنابر این محبت حقیقی شایسته اوست. (تهرانی، ۷۵/۱۳۹۱) بنا بر این برای تقویت و پرورش محبت الهی باید به اسباب محبت الهی توجه شود و اگر شناخت انسان به این اسباب و عوامل پرورش داده شود، محبت الهی در وجودش پرورش می یابد.

۵. نتیجه گیری

با توجه به بررسی که نسبت به بعضی آیات قرآن با تاکید بر نظرات مجتبی تهرانی انجام شد، نگارنده به این نتیجه رسید که عوامل شناختی پرورش محبت الهی در وجود انسان از منظر قرآن، پرورش شناخت و ایمان الهی، توجه به فضل و رحمت الهی و توجه به نعمت های الهی، از عوامل پرورش محبت الهی بیان شده است؛ به این بیان که هر اندازه که ایمان الهی در وجود انسان پرورش پیدا کند، بر رشد محبت الهی در وجود انسان مؤثر است. البته فضل و رحمت الهی دارای بحثی گسترده است که شامل نعمت های ظاهری و باطنی و معنوی نسبت به انسان می شود و نیاز به نوشتار مفصل تری دارد. مرحوم مجتبی تهرانی هم با استفاده از آیات و روایات، بعد از اثبات امکان محبت انسان نسبت به حق تعالی، بحث مفصلی را نسبت به عوامل شناختی محبت الهی انجام داده است که خلاصه آن: «خیوشتن دوستی، لذت، احسان، اشتراک، رابطه علیت، همراهی، مناسبتی پنهانی و جمال دوستی، از اسباب محبت الهی است. (تهرانی، ۶۸/۱۳۹۱) یافته هایی پژوهش، «ایمان الهی»، «لطف الهی» و «شناخت نعمت های الهی» از عوامل پرورش محبت الهی از منظر قرآن است. البته آیاتی فراوان در این زمینه وجود دارد و عواملی دیگری هم در قرآن بیان شده است ولی در این نوشتار فقط از بعضی آیات استفاده شده است.

نوآوری در این نوشتار این است که به صورت روان شناختی تحلیل و بررسی شده است؛ به این بیان که در آیه ۱۶۵ سوره بقره حق تعالی یک صفت شناختی (ایمان الهی)

برای کسان که حُب شدید نسبت به خداوند متعال دارد (الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ). واژه «
 آمَنُوا» یک صفت شناختی برای انسان است که صفت عاطفی دیگری را به دنبال دارد
 شدت دوستی نسبت به خداوند «أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» با قرینه قسمت قبل از آیه کسان که
 مادیات و غیر الهی را انداد و به جای خداوند قرار می دهند، به خاطر محبت شدید
 آن ها به مادیات غیر الهی است. از مفهوم این قسمت که کسان که ایمان الهی دارند
 حُب شدید تری نسبت به خداوند دارند ولی کسان که ایمان الهی ندارند؛ به مادیات
 علاقه دارند آن ها را به جایی خداوند قرار داده اند و اگر به خداوند متعال ایمان داشتند
 محبت غیر الهی در قلوب آن ها تحقق پیدا نمی کرد. پس یکی از عوامل پرورش
 محبت الهی در قلوب انسان ایمان الهی است. با توجه به این توضیحات معلوم شد
 که کسان که ایمان الهی دارند محبت الهی در قلوب آن ها پرورش داده شده است
 و از ظاهر این آیه استفاده می شود که ایمان الهی سبب و عامل پرورش محبت الهی
 در وجود انسان ها است.

در آیه ۷ سوره حجرات تصریح شده است که خداوند متعال محبت ایمان و رفتار
 پسندیده را در قلوب مؤمنین قرار داده است (وَلِكِنَّ اللَّهَ حَبَبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ) و کفر رفتار نا
 پسند و نافرمانی را زشت قرار داده است. «محبت» و «کراهت» دو صفت عاطفی
 است که خداوند متعال این دو صفت عاطفی را در قلوب مومنین قرار داده است.
 وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبَ
 إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ (صفت شناختی) وَالْفُسُوقَ (صفت
 رفتاری) وَالْعِصْيَانَ (صفت رفتاری) أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ. (حجرات/۷). بدانید که پیامبر
 خدا در میان شما است [و بر شما واجب است که در همه امور از او پیروی کنید]، اگر او در
 بسیاری از کارها از شما پیروی کند، قطعاً دچار گرفتاری و زحمت می شود، ولی
 خدا ایمان محبوب شما قرار داد و آن را در دل های تان بیاراست، و کفر و ب کاری
 و نافرمانی را ناخشانید شما ساخت، اینان [که داری این ویژگی ها هستند] هدایت یافته
 اند. (انصاریان، ۵۱۶/۱۳۹۳). از این آیه ۶ صفت شناختی و عاطفی و رفتاری استفاده می
 شود که عامل این صفات «محبت» است نسبت به رفتار پسندیده و «کراهت» است،
 نسبت به رفتار ناپسند.

اولین صفت شناختی ایمان است که خداوند در قلوب مومنین قرار داده است. صفت دوم یک صفت عاطفی است که آن را نیز خداوند در قلوب مومنین قرار داده است. (زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ) زیبایی ایمان در قلوب به این معنا است که انسان از ایمان خوشش می آید.

سومین صفت صفت عاطفی است که مومنین از رفتار ناپسند کراهت دارد. (وَ كَرِهَ الْإِنكُمُ الْكُفْرَ) کراهت معادل فارسی آن «نفرت» است از نظر روان شناسی یکی از هیجانات است. انسان های مؤمن از کفر نفرت دارند.

صفت چهارم صفت شناختی است (الْكُفْرَ) عدم ایمان الهی است به قرینه ایمان که در این آیه در چند کلمه قبل ذکر شده است؛ به این بیان که که مومنین نسبت به ناشایسته بودن کفر شناخت دارد.

پنجمین صفت، صفت رفتاری است که برای مومنین ذکر شده است. (الْفُسُوقَ) رفتار ناپسند.

ششمین صفت رفتاری است (الْعِضْيَانَ) نافرمانی) تمام این صفات ۲ عامل دارد محبت به رفتار های خوب و کراهت نسبت به رفتار های بد و ناپسند. عامل اصلی ایجاد محبت و کراهت حق تعالی است که این صفات را در قلوب مومنین قرار داده است و این هم به خاطر لطف و عنایتی است که خداوند به بنده گان خاصش، دارد.

نظرات مرحوم مجتبی تهرانی نسبت به اسباب پرورش محبت الهی تمام اسباب هشتگانه «خویشند وستی، لذت، احسان، اشتراک، رابطه علیت، همراهی، مناسبتی پنهانی و جمال دوستی» را که بیان کرده است، در عین حال که از آیات و روایات استفاده کرده است، از برهان عقلی نیز برخوردار است.

به عنوان نمونه تمام لذت ها چه مادی و یا معنوی، در وجود انسان به خداوند متعال بر می گردد؛ چون خالق لذت است. (صغری) انسان از تمام چیز های که لذت می برد آن ها را دوست دارد (کبری). پس محبت واقعی انسان مربوط به خداوند باید باشد. (نتیجه). در سایر اسباب هم به همین روال برهان عقلی استخراج می شود.

۶. منابع

۱. قرآن
۲. انصاریان، حسین (۱۳۹۳ش) ترجمه قرآن، تهران، دار القرآن کریم
۳. سیف، علی اکبر (۱۳۹۴ش) روان شناسی پرورشی نوین، ایران، تهران، دوران، چاپ هشتم
۴. ..تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱ش). تهران، اخلاق الهی مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی
۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق) تفسیر الصافی، ایران، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم چاپ اول،
۷. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش) قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه چاپ: ششم،
۸. ..فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق) المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، مؤسسه دار الهجره چاپ دوم،
۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۳ش) المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه،
۱۰. محمدی ریشه‌ری، محمد (۱۳۸۲ش) راهنمای محبت، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث
۱۱. شجاعی، محمد صادق (۱۳۹۷ش) روان شناسی در قرآن وحديث (۲) قم، پژوهشگاه حوزه ودانشگاه، چاپ اول.
۱۲. تهرانی، مجتبی، (۱۳۹۵ش). اخلاق ربانی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی
۱۳. تهرانی، مجتبی، (۱۳۹۱ش) رساله بندگی (دفتردل) تهران، مؤسسه فرهنگی مصابیح الهدی

۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱) فلسفه اخلاق، (تحقیق و نگارش: احمد حسین شریفی) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۵. مضاف، محمد رضا، (۱۳۹۹) اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۳۴) تهران، دار الکتب الاسلامیه
۱۷. مصباح سزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱) فلسفه اخلاق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۸. داوودی، محمد رضا (۱۳۸۲ش) رابطه محبت خدا با شادابی انسان مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۶۶.
۱۹. موفق، علی رضا، هاشمی حسین محمد (۱۳۹۶ش) نگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی به مراتب محبت الهی در عالم هستی، دو فصل نامه تخصصی علوم قرآن و تفسیر، سال سوم، شماره ۵، ۳۵-۵۷.

